

اهمیت پژوهش‌های مربوط به مهاجرت ایرانیان به هند و یک رویداد ناخواسته

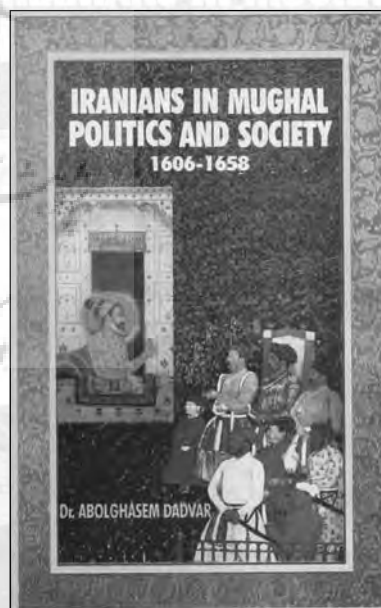
○ پروفیسور ماساشی هانه دا
دانشگاه توکیو، مؤسسه فرهنگهای شرق
○ مترجم: دکتر منصور صفت گل
گروه تاریخ - دانشگاه تهران

اشاره:

پروفیسور هانه‌دا این بررسی را اختصاصاً برای درج در ویژه نامه صفویه کتاب ماه تاریخ و جغرافیا نوشته اند.

گرچه مهاجرت از فلات ایران به شبه قاره هند پدیده‌ای منحصر به یک دوره زمانی معین نیست اما به نظر می‌رسد که این روند پس از تأسیس سلسله‌های اسلامی در شبه قاره رشد و اهمیتی ویژه پیدا کرد. مهاجران از فلات ایران که تاجیک خوانده می‌شدند در سده‌های سیزدهم و چهاردهم میلادی در دربار سلاطین دهلی نقشی چشمگیر ایفا می‌کردند با این همه روشن است که نیمه دوم سده شانزدهم میلادی شاهد آغاز یک دوره جدید در تاریخ مهاجرت به هندوستان بود. شمار ایرانیانی که به هندوستان می‌رفتند فراوان و شامل گروه‌های مختلفی بودند که از جمله می‌توان به دیوانیان، کارگزاران دولتی، علماء، شاعران، صوفیان، صنعتگران و افزارمندان و بازرگانان اشاره کرد. فرهنگ متعالی آنان که ریشه در زبان و شیوه زندگی ایرانی داشت به آنان که در جستجوی جلب حمایت دربارهای سلطنتی مغولان در شمال هند و عادلشاهیان و قطب شاهیان در دکن بودند، امتیاز ویژه‌ای بخشید. بنابراین اغلب آنان به گرمی از سوی این دربارها پذیرفته شدند و مناصب عالیه را در اختیار گرفتند.

دلایل این مهاجرت گسترده در این زمان چه بودند؟ این مهاجران از کدامیک از نواحی قلمرو صفویان بودند؟ تأثیرات سیاسی و اقتصادی و اجتماعی این مهاجرت بر جامعه صفوی و هندوستانی چه بودند؟ تاکنون به این پرسش‌های بسیار مهم که نه تنها برای فهم تاریخ عصر صفوی بلکه برای فهم تاریخ جهان در این عصر اهمیت دارند، پاسخی همه سویه داده نشده است. من قبلاً تلاش کردم تا طی نگارش مقاله‌ای موضوع مهاجرت ایرانیان به هند در عصر صفوی را از یک منظر عمومی توضیح دهم. اما این مقاله فقط یک طرح عمومی درباره این پدیده را عرضه می‌کند حال آنکه برای پاسخ پرسش‌های یاد شده قبل از هر چیز به یک پایگاه اطلاعاتی نیاز داریم که شامل اطلاعاتی دقیق و کامل درباره زندگانی همه ایرانیان مهاجر باشد. اطلاعاتی که در منابع



Dr. ABOLGHASEM DADVAR

نیمه دوم سده شانزدهم میلادی (عصر صفوی) شاهد آغاز یک دوره جدید در تاریخ مهاجرت به هندوستان بود

دلایل مهاجرت عده ای از ایرانیان به هند در عصر صفوی چه بودند؟
این مهاجران از کدامیک از نواحی قلمرو صفویان بودند؟
تأثیرات سیاسی و اقتصادی و اجتماعی این مهاجرت
بر جامعه صفوی و هندوستانی چه بودند؟ تاکنون به این پرسشهای مهم که
نه تنها برای فهم تاریخ عصر صفوی بلکه برای فهم
تاریخ جهان در این عصر اهمیت دارند،
پاسخهای همه سویه داده نشده است

تشریح زندگی دو تن از اعیان مهاجران که از مقاله من رونویسی شده است) و می‌پذیرم که این کتاب اثری مفید و مغتنم است. با این همه نه چارچوبه کتاب و نه چهار محوری که نویسنده مطرح کرده نتیجه پژوهش و کار او نیست. هر کس مقاله‌ای را که قبلاً نوشته‌ام بخواند، فوراً در می‌یابد که من قبلاً این پرسشها را مورد بررسی قرار داده‌ام. مؤلف می‌بایست در فصل مربوط به بررسی منابع که در ابتدای کتاب آمده، به مقاله من اشاره می‌کرد. اما او نه تنها چنین نکرده بلکه می‌نویسد که درباره این موضوعات قبلاً هیچ تحقیقی صورت نگرفته است. اما این نظر درست نیست.

برای من دشوار است تا قبول کنم که نویسنده این کتاب که درجه دکترای خویش را با راهنمایی محقق برجسته همچون پروفیسور مظفر عالم اخذ کرده است، مطلقاً از فهم قواعد اصلی تحقیقات علمی قاصر بوده است. مگر نخستین مرحله از کار یک پژوهشگر این نیست که به تحقیقات اصلی علمی که او داده‌ها، نظریه‌ها و یا الهامات خویش را از آنها گرفته است، اشاره کند؟ در تابستان گذشته من درباره این اقدام نامه‌ای اعتراض آمیز به مؤسسه انتشاراتی گیان ناشر کتاب دکتر داور فرستادم. اما تنها پاسخی که تاکنون دریافت کرده‌ام نامه‌ای مختصر است که طی آن گفته شده که آنها رونوشتی از نامه‌ام را برای نویسنده ارسال داشته‌اند و تاکنون هیچ پاسخی از نویسنده دریافت نکرده‌ام.

هدف من از نوشتن این نقد صرفاً این مطلب است که حق خویش به عنوان مؤلف را اظهار کرده و در عین حال اقدام ناپسندیده دکتر داور را مطرح کنم به این امید که چنین امری دیگر هرگز اتفاق نیفتد.

پی نوشتها:

- 1- Peter Jackson, The Delhi Sultanate. Cambridge University Press. 1999. PP. 75, 79, 179.
- 2- Masashi Haneda. "Emigration of Iranian Elites to India during The 16th-18th Centuries". Chier d'Asie Centrale, vol.5. 1997. PP. 129-143.
- 3- Abolghasem Dadvar. Iranians in Mughal Politics and society. 1606-1658. Gyan Publishing House. New Delhi 1999.

گونگون سده شانزدهم تا هجدهم میلادی وجود دارند. در این زمینه کتابی به نام ایرانیان در جامعه و سیاست مغولان هند، ۱۶۵۸-۱۶۰۶، تألیف دکتر ابوالقاسم داور (چاپ انتشارات گیان، دهلی نو، ۱۹۹۹) را می‌توان به عنوان اثری در عالم تحقیقات علمی، مورد نظر قرار داد. این کتاب دربرگیرنده شرح حال نزدیک به پانصد ایرانی مهاجر در فاصله سالهای ۱۶۵۸-۱۶۰۶ است که در منابع مغولان هند از آنها سخن به میان آمده است. اما یک واقعیت ناخوشایند این است که کتاب دکتر داور دربرگیرنده مواردی جدی از انتحال است. درجای جای این کتاب، نویسنده از مقاله من که قبلاً به آن اشاره کردم، گاه کلمه به کلمه آن را رونویسی کرده است. بدتر از همه اینکه نویسنده در هیچ جای کتاب خویش (جز یکبار در پانویست صفحه ۲۰۰ و در کتابشناسی پایان کتاب) هیچ ارجاعی به مقاله من نداده است. در یک جا دکتر داور دقیقاً یک صفحه یا بیشتر از مقاله مرا عیناً در کتاب خویش آورده و حتی همان پانویستها را نیز داده است. قطعاً این کار انتحالی جدی و نقض قواعد مربوط به حقوق مؤلف است. آنچه پس از این به عنوان نمونه می‌آید فهرستی از موارد نقض حقوق مؤلف توسط نویسنده این کتاب است که تا اینجا متوجه آنها شده‌ام:

- ۱- ص ۲۳، ۱. ۸ از پائین صفحه تا ص ۲۴، ۱. ۷ از کتاب دکتر داور مطابق صفحه ۱۳۰ مقاله من است که با ۱. ۱۱ تا ۳۲ صفحه مقاله من یکی است. (که تا حدودی دگرگون و خلاصه شده است)
 - ۲- ص ۳۱، ۱. ۲ تا ۷ کتاب داور عین مطلب من در ص ۱۳۸ است از سطر ۵-۱۰.
 - ۳- صفحات ۱۳۹، ۱۰۳ تا ۱۴۰. (۱۰۳ کتاب عیناً همان مطالب مقاله من در صفحات ۱۳۵ سطر ۱ تا ۱۲ و صفحه ۱۳۶ سطر ۱ تا ۱۰ است.
 - ۴- پانویستهای شماره ۱۳-۵ در صفحه ۱۶۴ کتاب عیناً همان پانویستهای مقاله من در صفحات ۲-۱۴۱، شماره ۳۵-۲۷ است.
 - ۵- صفحه ۱۸۵، بند ۱ سطر ۱۵ تا ۱. ۳۷ کتاب مطابق با صفحات ۱۳۶، ۱۲-۱ تا ۶-۱ و از پائین صفحه تا صفحه ۱۳۷، ۱-۷ تا ۱-۱۰ مقاله من است.
 - ۶- صفحه ۳۷۰ از سطر ۱ تا ۲۲ کتاب عیناً مطالب مقاله من در صفحه ۱۳۱ از سطر ششم از پائین صفحه تا صفحه ۱۳۲ سطر ۱۰ است.
- من معتقدم که جوهره این کتاب که شامل طبقه بندی آماری و شرح حال نزدیک به پانصد تن از ایرانیانی است که در نیمه اول سده هفدهم میلادی به هند مهاجرت کردند، نتیجه تحقیق خود نویسنده کتاب است (به استثنای